

درباره نام های ترکمنی

علم پژوهش نام ها (آنترپونیمیک)*

و علم معنا شناسی (آنترپونیم)**

در میان کثرت علوم، آنترپونیمیک، علم مطالعه نام ها (از آنترپوس یونان باستان - « انسان» و آنوما- « نام»)، شاید یکی از جالب ترین ها است. زیرا آنترپونیمی، علم پژوهش نام ها، یعنی مجموعه نام های فردی مردانه و زنانه این یا آن خلق است - این امر بازتاب روشن بسیاری جوانب تاریخ و زندگی آن، ویژگی های روان ملی و تماس با محیط زبان خارجی، پدیده های طبیعی گیاهان و جانوران بومی است.

آنترپونیمی ترکمنی - مجموعه ای از نام های فردی ترکمن ها است و برای یک پژوهشگر حکم منبع بی پایان پژوهش گذشته ی دور و نزدیک است. مولف این مقاله در جریان جمع آوری چندین ساله مطالب آنترپونیمی، خود در گوشه و کنارهای مختلف ترکمنستان به این امر یقین حاصل کرد. همراه با گزینه هایی بیش از پانزده هزار نام در جزوه دان ها در انتظار زمان چاپ خود هستند. و طبعاً این همه ی آن نیست.

در هرملتی هزاران از این نام ها وجود دارند و همه آنها معنی خاصی را دربرمیگیرند، که والدین در نظر داشتند کودکان خود را با این یا آن نام بنامند. حتی در خانواده هایی که از سنت های کهن جدا شده اند، در نام گذاری ها، نام نوزاد اثر معنوی معینی را در بردارد. این امر در بین آنها یا احترام به کسی از بستگان است یا احترام به افراد برجسته و معروف و یا دینی است به رسم محق دوره ی معین و از سوی دیگر انعکاسی از ذوق و سلیقه شخصی که گاهی تا اندازه ای عجیب و پرمطراق است، یا بازتاب اوضاع و شرایط معینی است که به هنگام تولد انسان کوچک همراه او است.

آنجایی که سنت ها هنوز زنده اند، بعنوان مثال، در محیط ترکمن ها وضع از چه قرار است؟ نام افراد در اینجا هم در گذشته و هم امروز، اغلب بمتابه نوعی سند و تایید شخصی انسان که حاوی برخی داده ها درباره دارنده نام است بوده و باقی خواهد ماند. بیهوده نیست که خردمندی ملی ترکمن هشدار میدهد که: « پیش از اینکه نبرد کنی، نام رقیب خود را بشناس».

برای نمونه چنانچه بگوییم اورا «چاری»، «باشیم» یا «آلتی» می نامیدند، این بدان معنی بوده که او چهارمین، پنجمین یا ششمین کودک خانواده است و با چندین برادر سروکار دارد که میتوانستند جهت کاری به یاری وی بشتابند. در جریان بررسی بسیاری نام های ترکمنی که این یا آن گروه اصلی خود را تشریح میکردند، ما به نام های گوناگون: زیبا و نه چندان ظریف و درشت، بلند و کوتاه برخورد می کنیم. اما صاحبان نامها نه چندان زیبا و ظریف هستند که دیگر دشوار است چیزی در آن تغییر داده شود و نباید در مورد آن ناراحت شد، چون آنطور که ضرب المثل ترکمنی میگوید، « یاغشی آدم دان، غووی آت غالار» - (از انسان خوب همواره نام نیکو باقی خواهد ماند).

مکان نامی، آنطور که معلوم است مجموعه ای از نام های جغرافیایی است. بسیاری از نام های ترکمنها با مکان نامی (توپونیمی) مرتبط هستند. یکی از دوستانم نام خانوادگی اش مارجیکوف است. در پاسخ به پرسش درباره منشأ و پیدایش نام او روایت خانوادگی درباره آنکه این نام خانوادگی از نام پدر بزرگ سرچشمه می گیرد را گفت. پدر بزرگش درواحه تجن بدنیا آمده و تقریباً تمام زندگی اش را در زادگاهش گذرانده است. با این حال روز تولد او با بازگشت پدر بزرگش از شهر ماری (مرو) مصادف شد، جایی که چندین بار وی برای برخی امور مهم به آنجا مسافرت کرده بود. این گزینه هنگام نامگذاری این یا آن اسم جغرافیایی حتی در اغلب موارد دیده شده است. کدام یک از این اسامی جغرافیایی در زندگی روزمره دیده میشوند؟ علاوه بر «مارجیق»، در مطبوعات و در پرس و جوهای شخصی: «ماری لی» (اهل شهر ماری - مرو، مروی)، تجن، ساراغت (سرخس)، سایات، سومبار، اترک، بهرین و برخی دیگر نام ها را نیز دیدم. شاید بیشتر نام های جغرافیایی در نام های شخصی بمتابه اصطلاحات ساده بنظر میرسند، هر چند پشت این اصطلاح «ساده» نوعی تاریخ خانوادگی قرار دارد.

همینطور اسم رودخانه ها را نیز بمتابه نام میتوان دید، مانند: «دریا» (رودخانه)، «دریا غولی» (بنده دریا). در ضمن درگوش ها و لهجه های خزر واژه «دریا»، معنی نوین «دریا» را پیدا می کند. به نام های مرتبط با استپ و صحرا میتوان به «میدان» (زمین بایر، صحرا)، «میدان لی» (صحرائی، بیابانی، کویری)؛ و نام های مرتبط با کوه، به «جولگه» (جلگه، تنگه، دربند) اشاره کرد. در عین حال در بین نام های شخصی، متشکل از اسامی جغرافیایی، بخش عمده ای را که شامل نام های مردانه هستند به چشم می خورد. نام های زنانه بسیار بندرت دیده میشوند. بدیهی است که این امر با این موضوع مرتبط بود که رفت و آمد، سیاحت و مسافرت جزو امتیازات مسلم مردان بشمار می آمد و زنان مجبور بودند تمام زندگی خود را به تنهایی در همان روستا صرف کنند، تنها گاه گاه، با اجازه شوهر، به بازدید و عیادت پدر و مادر خود، اگر آنها در جای دیگر زندگی می کردند، میرفتند. در دوران ما وضعیت البته فوق العاده تغییر کرده است و زنان جوان بسیار بیشتر از مادران و مادر بزرگانشان به مسافرت میروند. با این حال نیروی سنت در شرایط و اوضاع مورد نظر هنگام نام گذاری نوزادان باقی مانده است.

یک فرد روستایی همواره به طبیعت نزدیک است. وی بطور نیرومند این نزدیکی و ارتباط خود با طبیعت و با گیاهان و جانوران آن را احساس میکرد. این مسئله کاملاً قابل درک است. تا چه رسد به فرهنگ گیاهان که گیاهان وحشی به انسان و زندگی روزمره او، بمتابه علوفه برای دام ها و گاهی اوقات برای خورد و خوراک انسان، به عنوان گرما و سوخت و برای نیازهای گوناگون خانوادگی و غیره که مورد استفاده قرار می گرفت کمک های بسیار ارزنده ای کرده است. همین را میتوان درباره دنیای حیوانات گفت، که خصایص انفرادی چنین حیواناتی مانند زیبایی، پایداری، نیرو و سرعت نقش زیادی را بازی میکردند.

در اینجا باز سحر و جادوی ساده لوحانه زندگی که حتی دیگر توسط والدین نیز درک نمیشد تجلی می کند: کودک با چنین نامی می بایست مشخص ترین خصایص همان خود - گیاه و حیوان را به ارث می برد. در دوران باستان بسیاری از چنین تجسم شخصیت هایی ریشه در تصور توتم پرستی مردم درباره پیدایش و منشأ آنها از اجداد افسانه ای - حیوانات، درختان، پدیده های طبیعی، و غیره داشتند. در اینجا برخی نمونه ها درباره نام های متعدد زنانه که مرتبط با نام گل ها است را می آوریم.

از درختان و بوته زارها این نام ها به مردان و زنان داده شدند: بین مردها: آرچا (سروکوهی)، کِرَقاو (افرا)، غوجوم، پتده، دِرک (صنوبر- سفیدار)، سزاق (تاغ)، چالی (درختچه شوره زار)، چرکز (ریشتر، نام لاتین آن سولیانکا است. درختچه ای در استپ های قرا قوم و قیزیل قوم آسیای مرکزی)، غاندیم (گیاه جوزگون - بوته ای از خانواده گندم سیاه، در بیابان های آسیای میانه و مرکزی) و برخی دیگر.

در بین زنان: آلم (سیب، درخت سیب)، خورما (خرما)، دِرک (سفیدار، درخت تبریزی)، ناری (انار)، اُزوم (انگور) و برخی نام های دیگر. البته اصل محدوده و موقعیت جغرافیایی بازتاب خود را نیز پیدا می کند. اگر در مناطق و نواحی کوهستانی جایگاه آرچا (سروکوهی) و کِرَقاو (افرا) می رویدند بیشتر به این نام ها برخورد می کنیم.

در نوار و منطقه آمودریا و واحه ی تاشووز که مشخصه آنها «غوجوم و پتده» (صنوبر- سفیدار) هستند، میتوان حاملین این نام ها را دید. مخصوصا سزاق (تاغ)، چالی (درختچه شوره زار)، چرکز (ریشتر) و غاندیم (گیاه جوزگون) مشخصه گله داران مناطق نیمه کویری در غرب ترکمنستان بودند. به خصوص بسیاری از نام های مرتبط با نام های حیوانات خانگی، که اکثرا نام های مردانه هستند را میتوان در بین گله داران دید که کاملا قابل فهم است. بعنوان مثال نام های مردانه: اینر (شتری از نژاد قوی)، بوغرا (شتر دوکوهانه)، کُوشیک (بچه شتر)، غُج (قوچ، گوسفند)، غوزی (بره)، تکه (بز)، تایچا (کره اسب) و بسیاری دیگر نام ها.

در رابطه با اسامی که از حیوانات وحشی سرچشمه میگیرند، آنچنان تمرکز جغرافیای دیده نشده است. این اسامی کم و بیش بطور متناسب در گوشه های مختلف ترکمنستان پراکنده هستند. برای نمونه در بین مردان - آرسلان یا شیر، یولبارس (ببر)، غورت، مَوجک، بُوری (گرگ)، میتوانستند بکار برده شوند.

بین زنان - مارال (غزال)، چِرِن یا کِیبیک (آهو)، تاوشان (خرگوش) و همچنین عنوان برخی پرندگان از جمله: بیلایل (بلبل)، سولغون (قراقول)، توتی (طوطی)، تُووس (طاووس)، سونا (اردک سرسیاه، اردک دریاچه دارای سر سیاه و سفید) رایج هستند. من در اینجا آن نام هایی را که برگرفته از اسامی حیواناتی که کاراکتر موهن و حقارت آمیز را دارند، نمی آورم. اینکه چرا این نام ها را به برخی از کودکان داده اند، در مطالب پیشین صحبت شد.

درباره تلفیق (ترکیب و یا ادغام "نامتجانس") نام های ترکمنی

دودوست دختر بنام های - « آلتین » و « تیللا » (طلا) وجود دارند. نمی دانم کاراکتر و طبیعت آنها چگونه است، اما نام ها زیبا و طلایی هستند. باز سه دختر دیگر هستند بنام های « گُوزل»، « زیبا » و «جمیله»، که از نام ها معلوم هستند که باید زیبا باشند. موضوع چیست؟ چرا نام ها متفاوت اند، اما یک چیز را معنی میدهند - « طلا»، « زیبا »؟

دلیل آن منشاء چند زبانی بودن همه آنها است و از طرق گوناگون به درون انبوه رنگارنگ نام های ترکمنی راه پیدا کرده اند. «آلتین» و «گُوزل»، منشاء این واژه ها ترکی است - تیللا (طلا) و جمیله - عربی و زیبا - فارسی است. این پدیده ها کاراکتر و خصلت تلفیقی دارند.

تلفیق (ترکیب و یا ادغام "نامتجانس") – آمیختگی عناصر نا متجانس و ناهمگون در یک سیستم است. در این مورد سخن درباره تلفیق زبانی نام های شخصی ترکمنی و منشاء چند زبانی آنها است. این پدیده مانند تعدادی دیگر، موجب پروسه های اتنیکی و تاریخی رنگارنگ و پیچیده شده که در منطقه ترکمنستان روی داده اند.

در جریان صدها سال مردم بومی ایرانی زبان در اینجا با قبایل ترک زبان که گروهی ویا تک تک آمده بودند روبرو شدند – با گذشت زمان جمعیت ترک زبان تبدیل به جمعیت اصلی شد و اسلاف ایرانی زبان پس نشانده و آسیمیله شدند. اما کاراکتر بسیار متنوع رابطه با همسایگان ایرانی زبان – فارس ها، کردها و دیرتر – با بلوچ ها و جمشیدی ها (قبیله و عشایر فارسی زبان) – قطع نشد. از این رو ما در بین نام های ترکمنی همچنین به نام های دارای منشاء ایرانی، مانند: روستم (روستم)، مِرت (مُرداد - ایران باستان – نام ماه پنجم سالنامه خورشیدی)، دیدار، شیر، آزات (آزاد)، شیرین، تازه گول (تازه گل)، دسه گول (دسته گل)، گول جان (گل جان)، میوه، نازیک (نازک)، ظریف، برازنده) و اسامی دیگر برخورد می کنیم.

حمله اعراب بازتاب ضعیفی در ترکیب جمعیت آسیای مرکزی داشت. اما اعراب دین نوین – اسلام رابه همراه آوردند که با گذشت زمان تسلط نامحدود یافت، و بوسیله مذهب با آداب و رسوم خانواده، از جمله نامگذاری کودکان توسط شخص روحانی مرتبط شد و درسندن نامگذاری مردمان آسیای مرکزی و دیگر خلقها سیل نیرومند نام های اسلامی، عربی ویا سامی دراصل خود، رخنه کردند. باین حال باید گفت که سنت ترکمنی نام های شخصی سرسختی و ایستادگی بسیار خوبی را از خود نشان داد و بویژه بین زنان، بسیاری نام های پیش از اسلام حفظ شد. این امر بویژه بوضوح در مقایسه با نام های شخصی برخی دیگر خلق ها دیده می شود.

برای مثال در داغستان نام هایی با منشاء عربی تقریباً بطور کامل جایگزین نام های بومی پیش از اسلام شد. در همسایگی ترکمن ها- از یک ها، تاجیک ها، فارس ها، کردها، آذربایجانی ها – جریان عربی تاثیر فوق العاده ای را بر روی آنها گذاشت. برای مبارزه با حریف نیرومند یک تاکتیک انعطاف پذیر لازم است.

سنت ترکمنی نام های شخصی با موفقیت آنرا بکارگرفت. از این رو هیچ جای تعجب نبود چنانچه پس از سالهای مدید آشنایی بر حسب تصادف معلوم شود که بین دوستان، همکاران یا همسایه ها بجز نام های ترکی شناخته شده برای همه، مانند قاقا گلدی (تحت اللفظی – پدر آمد) یا غارگلدی (برف بارید)، نام های عربی – آبدیلا (عبدالله) یا آبدیرراخمان (عبدالرحمان) هنوز هم هست. این پدیده میتواند بیشتر بین صاحبان مسن تر نام ها دیده شود. با این حال بین جوانان نیز پیش می آید. چیزی که هست نام های عربی اسلامی به کودکان هنگام تولد آنها توسط ملا ها یا توسط پیرمردانی مؤمن داده شده اند. باوجود این از سوی والدین به کودکان نام هایی را که نام اصلی آنها در خانه می بود، اعطا میشدند، که حتی اغلب در اسناد رسمی نیز راه می یافت.

سرانجام پس از انقلاب اکتبر دگرگونی های بزرگی که در فرهنگ و زندگی مردم ترکمن صورت گرفت، بازتاب خود را در ظهور نام های کاملاً با زبان جدید- روسی یا اروپای غربی پیدا کرد که بیشتر آنها با این یا آن انقلابیون برجسته یا شخصیت های فرهنگی مرتبط است. طبیعی است که پس از فروپاشی اتحاد شوروی و اعلام استقلال دولت مستقل ترکمنستان نام گذاری این گونه نام ها روی نوزادان قطع شدند.

البته نباید فکر کرد که همه نام های ترکمنی منشاء اصل یک زبانه خود – ترکی، ایرانی، عربی، روسی و یا غیر از آن را حفظ می کنند. بسیاری از آنها تلفیق زبانی را بطور مستقیم در همان فرم نام ها، اغلب با ترکیب دو پایه زبان مختلف در تمامی ترکیبات ممکن منعکس کرده اند. برای نمونه، نام مردانه «سلام قولی» عبارت است از سلام عربی و قول ترکی یعنی تحت اللفظی «بنده صلح و آرامش» است. «گلدی مِرت» – از ترکی گلدی (آمد) و نام شناخته شده «مِرت» – مرداد، نام ماه پنجم سالنامه خورشیدی ایرانی است. و نام زنانه جوما گول (جمعه گل) «جمعه» عربی را با «گل» ایرانی که به معنی «گل جمعه» است پیوند میدهد.

مردان را چگونه می نامیدند

تنها گاه گاهی که جریان سیل خروشان راه می افتاد، و برخی نوزادان پسرکه در آن روز بدنیا می آمدند، «سیل گلدی» (سیل آمد) نامیده میشدند. گاهی در میادین و روستاها گردباد سواره نظام دشمن برمی خاست و اسب ها در لشکرکشی مردان بالغ زین میشدند و رزمندگان آینده که در این دوران بدنیا می آمدند، نام «جنگ»، «غیلیچ» (شمشیر)، خانجر (خنجر) و مانند آن را دریافت میکردند. در بسیاری از نام های پسران متولد شده در روز جمعه ("جوما" و یا "آنا")، بازتاب خود را در این روز استراحت و نماز هفته مسلمانان پیدا میکرد. از این رو همینطور نام های «آنا دوردی» و «جوما دوردی» (جمعه آمد)، آناپردی (جمعه داد) یا فقط آنا یا جوما (جمعه) مشاهده میشود.

گاهی میتوان نام «جمعه» را در برخی تلفیق های غیر عادی دید، برای نمونه: «آنا نپس» (نفس جمعه- جمعه نفس)، «آنا غیلیچ» (شمشیر جمعه- جمعه شمشیر)، «آنا غورت» (گرگ جمعه- جمعه گرگ)، «آنا قولی» یا «جوما قلی» (بنده جمعه) و غیره.

اتفاقا همه این نام های مربوط به جمعه در این روزها بسیار رایج و متداول هستند. اغلب ماهی که کودک در آن متولد میشد نیز نقش بازی میکرد. چنانکه ما نام های آشیر (آشور)، ساپار (صفر)، رجب، مِرت (مرداد)، اوراز، بایرام، غوربان (قربان)، نام ماه های اول، دوم، هفتم، هشتم، نهم، دهم و دوازدهم گزینه مردم ترکمن در تقویم قمری مسلمانان را بسیار می بینیم. گاهی نام «پدی» (هفتم دیده) میشوند.

اگر در روز تولد کودک باران می بارید همین طور اغلب – «یاغمیر» (باران) می نامیدند. چنانچه برف می بارید «غار یاغدی» (برف بارید). کودکانی که در سحرگاهان و سپیده دمان متولد میشدند میتوانستند نام «دانگ آتار» (سحرگاه – سپیده دم) یا «گون دوغدی» (آفتاب دمید – آفتاب برآمد) بگیرند.

چنانچه نخستین فریاد و صدای کودک با فصل بهار مصادف میشد، او را گاهی همین طور بعلت بهار، «یاز» (بهار)، «یاز دوردی» (بهار آمد)، «یاز پردی» (بهار داد) می نامیدند. رنگ چهره و مو همچنین بازتاب متعدد خود را در نام ها پیدا کرد. بیشتر از همه «غارا» (سیاه)، «غاراجا» (سیاه کوچک، متمایل به سیاه)، کمتر «ساری» (زرد)، حتی بندرت «آق» (سفید) یا «آقجا» (سفید کوچک)، «گوک» یا «گوکی» (آبی)، «قیزیل» (سرخ-حنایی) و «غونور» (قهوه ای). نام «اکیز» (دوقلو) قطعا نام یکی از دوقلو ها بوده است.

معمولا والدین میخواهند که نام کودکان آنها زیبا و آهنگین باشد و از این طریق عشق و محبت خود را به آنها و همچنین آرزوهای خود به آینده ی صاحب نام ها نشان دهند. از این رونام هایی مانند:

« آمان » و « اِسن » (تندرست و با سعادت)، « اِزیز » (عزیز، گرمی)، « باللی » (عسلی، عزیز) در محاوره)، « بَگِچ » (شادی، شادمانی)، « گویچ » (نیرو، توان) « دولت » (ثروت، دارایی، غنا)، « دولت مراد » (مراد و مقصد ثروت)، « دولت گلدی » (ثروت آمد)، « کُمک » (کمک، یاری) و بقیه دیده میشوند. گذشته ی پیش از انقلاب، بدون شک اثر بزرگی را در زمینه و موضوع نام ها گذاشته است.

اغلب والدین به کودکان خود نام حاکمان و ثروتمندان را، با این عقیده که این مسئله به آنها خوشبختی به ارمغان می آورد، می گذاشتند. چنانکه در این رابطه تا اندازه ی زیادی « بگ مراد » (آرزوی - بگ)، « بای مراد » (آرزوی - بای، بیگ)، « بایار » (ارباب، مالک، آقا)، « خان [یا حان]»، خان مراد، سولتان (سلطان)، شامراد (شاه مراد) و غیره پدید آمد و بخش نسبتا زیادی از نام ها با مذهب اسلام مرتبط بود و طبعاً در تفاوت با جنبه های دیگر نامگذاری، جاییکه پایه و مبانی زبان ترکی برتری داشت، در اکثریت خود دارای منشاء زبان عربی بود.

علاوه بر این نام هایی که در نگاه نخست، نسبتا عجیب و تضاد آشکار با نام های آهنگین و زیبا داشت، مشاهده شده اند. برای نمونه، « ایت آماز » (سگ نخواهد گرفت)، « پُرسی » (بدبو، متعفن)، « گوجوک » (توله ی سگ)، « تاغان » (سه پایه)، « کورره » (کره اسب) و مانند آن .

با وجود این چنین نام هایی بهیچ وجه حکایت از بیمهری های والدین نسبت به وارثین خود نداشتند، بلکه مسئله درباره موهوم پرستی آنها است. در خانواده هایی که اغلب کودکان آنها فوت میکردند، والدین با چنین مانور و روشی میخواستند با اینگونه نام ها بیماری و مرگ و گویا کسی را که به طمع کودک افتاده فریب دهند.

در دوره پس از انقلاب اکتبر بین نام های مردانه ترکمنی تغییرات معینی رخ داد. هر چند حفظ سنت نامگذاری بویژه به احترام مرگ بزرگان خویشاوند، ادامه دارند، هر طور هست نام های مرتبط با مذهب و عناوین فئودالی و مالکان ثروتمند کاهش یافت. و نام هایی همانند ، پُرسی، گوجوک، کورره و مانند آنها که در بالا به آن اشاره شد در نسل کنونی بطور کلی تنها بمثابه نام خانوادگی و از نام های پدران و اجداد خود مشتق شده اند، مشاهده میشوند.

بطور کلی به پسران تلاش میشد نام هایی که منعکس کننده مقاومت و دیگر خصوصیات مردانه مثبت است داده شود: مانند، « ارسلان» یا «شیر»، « گویچ » (نیرو)، « باتیر » (شجاع، قهرمان)، « مردان» (جوانمرد، مردوار)، « مرگن » (تیرانداز ماهر و دقیق)، « غُوج » (قوچ)، « یووشان» (افسنتین یا درمنه استپ)، « چرکز » (بوته ای با ریشه های قوی در استپ)، « سازاق » (تاغ)، « غوروت»، « مؤجک، بورن (گرگ) و امثال آن، که در بسیاری از آنها آنطور که می بینیم خصوصیات مربوط به گیاهان و حیوانات سرزمین مادری بازتاب یافته اند.

نقش ویژه ای را در نام گذاری ها بخصوص در زمان گذشته ، مذاهب ایفا میکردند. بطور طبیعی بسیاری نام ها با عنوان ماه های تقویم ملی که در آن این یا آن نوزاد متولد میشد، مانند، « آشیر » (آشور)، « سافار » (صفر)، « مِرت » (مرداد)، رجب و اوراز مرتبط هستند.

جالب توجه است که تنها بین ترکمن هایی که در محدوده سرزمین تاریخی زندگی می کنند، نام مِرت - نام پنجمین ماه و نام باستانی پیش از اسلام مربوط به ماه سالنامه خورشیدی - مرداد، حفظ شد. بین دیگر گروه های ترکمن، مثلا استاوروپول، این اسم به عربی آن یعنی شعبان جایگزین شد.

از روزهای هفته در این رابطه فقط جمعه اسلامی - روز نماز و استراحت- شانس داشت. از این رو بسیاری که در این روز بدنیا می آیند نام جوما (جمعه) یا آنا (آدینه) را، اغلب با فعل الحاقی « گلدی » « (آمد) یا « دوردی » (شد، ایستاد) دارند، مانند: آنا گلدی، آنا دوردی و غیره.

بخشی از نام ها طبعاً با منطقه جغرافیایی که معمولاً آن شخص در آنجا بدنیا آمده است مرتبط هستند. به همین دلیل ما افرادی را با نام های ماری، مارچیک، چولی، عشق آباد مشاهده می کنیم. اگر وضع فوق العاده ای پیش آید و کودک در میانه ی راه و سفر بدنیا بیاید، آنگاه اغلب نام «بیوللی» (...راه، راهدار)، یولامان (راه سعادت آمیز، راه موفقیت آمیز) را می گرفت. برخی از نام ها این یا آن علایم مشخصه نوزاد را منعکس می کردند.

نوزاد گندم گون و سیاه چرده میتواند نام «غارا» (سیاه)، «غاراجا» (کمی سیاه و سفید، گندم گون)، نوزاد سفید چهره نام «آق» (سفید، سفید رو) یا «آقچا» (کمی سفید)، نوزاد با لکه مادرزادی یا خال، «خاللی» (خال لی، خال دار) را بگیرد.

همانا بخش قابل توجه ای از نام های مردانه با مذهب، با اسلام که کاملاً قابل درک است مرتبط بود. از این رونام های موللا «مُلا»، ایشان، خوجه، ماغتیم، سید و مشتقات آنها با پیشوند « بردی» (داد) یا « دوردی» (ایستاد) ناشی از این مسئله است مانند: ایشان بردی یا خوجه بردی.

این امر حکایت از آن دارد که، والدینی که فرزندی نداشته و یا تنها دختر در خانواده متولد شده، در زمان خود به این یا آن نماینده مذهب با تقاضای دعا جهت برآوردن آرزوی آنها مراجعه کرده اند. پیشوند « دوردی » بدان معنی است که نماینده مذهب روز تولد کودک در خانه مذکور و یا در روستا ظاهر شده است. سخن در اینجا درباره طراز اسامی مشابه با ذکر خدا (الله، خدای، تانگری) مانند: الله بردی، خدای بردی، تانگری بردی و امثال آن نیست.

شماری از کودکان به اسم اجداد متوفی، و گاهی اوقات به طور مستقیم: قاقا گلدی (پدرآمد) ، آتاگلدی (پدرآمد یا پدر بزرگ آمد) و یا عوض گلدی (عوض آمد) نامیده می شدند. در این رسم و سنت، پژواک بقایای تصورات باستانی درباره تناسخ در جسم تازه، یعنی تناسخ روح حفظ شده است. عقیده بر این بود که روح جد و نیای متوفی بنحوی در مخلوق تازه متولد شده مجسم میشود. این چنین کودکانی، بدون آنکه خود بدانند از امتیازات ویژه ای برخوردار میشوند. آنها را همیشه کتک زد و یا سرزنش کرد. چون ممکن بود توهین به جد شود.

چه در دوره های پیشین ایرانی و عربی و چه در دوران شوروی دروازه نامه اسمی ترکمنی نام های روسی و بین المللی، و گاهی کاملاً شورایی بعنوان مثال سایلوا (انتخابات) ظاهر شدند. در دوران شوروی نام های باستانی عصر ترکمن - گور اوغلی، کورت و امثال آن نیز به صحنه آمدند. این امر نشان میدهد که آنتروپونیمیک ترکمن مجموعه است از اسامی موجود زنده و متغیر و همانند دیگر زمینه های زندگی و معیشت مردم است.

زنان را چگونه می نامیدند

هرزنی می خواهد زیبا و جذاب باشد، همانند هر مردی که نیرومند و مردانه می خواهد باشد. و چنانچه هر چند چیزی از این مسئله از ظاهر و کارا کتر والدین خود دریافت نکرده باشد ، بحرحال پدر و مادر امید و آرزوی خود را به کودکان خود نثار می کنند. از این رو بسیاری نام های زیبا مانند: «گوزل»، «آودان»، «جمال»، «زیبا»، «جمیله» مشاهده میشوند.

اغلب واژه «زیبایی» باز با نوعی اصطلاح خوش آهنگ، با ساختن اسم مرکب تقویت شد. چنانچه

در زیبایی های بعدی خال کوچک نقش بسیاری ایفا کرد. اگر دختری خال کوچک می داشت آنرا « خال لی گوزل » (زیبای خال دار) نامیده ؛ چنانچه تولد او به بهار می افتاد، او میتوانست نام « یاز جمال » (زیبای بهاری)؛ یا چنانچه دختر سفید رو می بود - « آق گوزل » یا « آق جمال » (زیبای سفید) را بگیرد. رنگ سفید بین نام های زنانه بسی بیشتر از بین نام های مردانه مشاهده میشود. به همین دلیل دارندگان چنین نام هایی کم نبودند، مانند « آق غیز » (دختر سفید)، « آقجا » (دخترک سفید - سفید رو)، « آقجا گول » (گل سفید)، « آق نابات » (نبات سفید)، « آق بگنج » (سپید مسرت، نورشادمانی) و بقیه. هم زمان چهره های گندم گون و سیاه چرده میتوانستند نام « غارا غیز » (دختر سیاه) را بگیرند.

در کل تا آنجا که به نام های زنانه مربوط میشود، بطور طبیعی گلچین هایی بکار برده میشوند که خاص زنان هستند مانند: «اودان» (زیبا)، «نازیک» (ظریف، ریزه اندام)، «گوزل»، «زیبا» و «جمیله» (زن زیبا)، «کومیش» (نقره)، «آلتین» (طلا)، «مارال» و «کییک» (آهو، غزال)، «آی بولک» (تکه ای از ماه)، «نابات» (نبات) و امثال آن. بویژه نامهای تاج گل گلهای فراوان هستند. در اینجا این نام ها بطور ساده چنین هستند: «گول لر» (گلهای) و «قیزیل گول» (گل رز، گل سرخ)، «گولک» (گل خشخاش)، «نارگول» (گل انار)، «دسسه گول» (گل دسته)، «باهارگول» (گل بهار)، «آی گول» (گل ماه - ماه گل)، «گول جاهان» (گل جهان، جهان گل).

همانند مردان بین زنان نیز چهره های «گندمگون» و «سفید» وجود دارند و همچنین به روش زنانه به احترام نیای متوفی نام گذاری شده اند را نیز می بینیم. از این رو در میان دختران که در نگاه اول بنا به سن آنها عجیب و غریب هستند نام هایی، مانند «اچه» (مادر)، «انه» (مادر، مادر بزرگ)، «ماما» (مادر بزرگ مادری) دیده میشوند.

گل ها یکی از زینت های زندگی ما است. یکی از انواع آنها و عطر ملایم آنها اغلب بهترین احساسات انسانی را برمی انگیزند. از این رو کاملاً قابل درک است که چرا موضوع گل چندان پیوند ملاطفت آمیز نسبت به خود از جانب زنان هنگام نامگذاری اسامی پیدا کرده است. نام گل، که با مفهوم کلی «گل» (گول به ترکمنی) یا با انواع جداگانه آنها مرتبط است، بخش بسیار زیادی از نام های زنانه ترکمنی را می سازند.

برای نمونه تنها برخی از آنها را می آوریم: «گول» (گل)، «گولجه» (گل کوچک)، «گول لر» (گلهای)، «دسسه گول» (دسته گل، گل دسته)، «گول بییک» (گل بچه)، «اچه گول» (گل مادر)، «یازگول» (گل بهار)، «آق گول» (گل سفید)، «ساری گول» (گل زرد)، «غیزیل گول» یا «بگول» (گل رز، گل سرخ)، «گول آیک» (گل خشخاش) و بسیاری نام های دیگر.

چیز دیگری که وجود دارد این است که، گروه نسبتاً قابل ملاحظه ای از نام های زنانه هستند که، ظاهر عجیب و غریب بنظر می آمدند ولی اساس و بنیان نام مردانه «اغول» (پسر، بچه) را می ساختند. معذالک برای انسان دانای کل علت پیدایش آنها کاملاً قابل فهم است.

چیزی که هست در محیط ترکمنی بطور سنتی ظهور نخستین فرزند همواره با آرزوی پسر - وارث، مربوط بود. چنانچه آرزوها برآورد نمیشد و دختر بدنیا می آمد، او را میتوانستند بنامی که گویی به طور سحرآمیز مستحق ظهور پسر بوده، بنامند. در این راه والدین خرافاتی و موهوم پرست به تاثیر سرنوشت در آینده که با آنها مهربانتر باشد امیدوار بود، بویژه اغلب این امر در خانواده هایی که یک

دختر متولد شده و یا پسر متولد شده زنده نمانده است دیده شده.

از این رونام هایی از نوع: « اُغول بُلدی» (پسر شد، پسر بدنیا آمد)، « اُغول گُلدی» (پسر آمد)، « اُغول دوردی» (پسر ظاهر شد، پسر پیدا شد)، « اُغول گول» (پسر - گل)، « اُغول باگول» (پسر - گل سرخ، پسر - رُز)، « اُغول بَبک» (پسر - بچه)، « اُغول جان» (پسر جان)، « اُغول شات» (پسر - شادمانی، پسر - خوشبختی) و حتی چنان سخت گیرانه و آمرانه مانند، « اُغول گِرک» (پسر لازم است) یا « اُغول دورسین» (بگذار پسر باشد) ظاهر شدند.

سایر نام ها مهر بزرگ انزوا و جدایی را بر خود داشتند، هر چند در بین بسیاری از اسامی مرکب یک جزء آن میتواند در چندین واریانت مشاهده شود. همینطور آنطور که اشاره شد چندین نام مانند نام های مردانه با جمعه اسلامی (جو ما، آننا) یا با برخی ماه های تقویم ترکمنی (از جمله آشیر، ساپار، صفر) « مِرت، بایرام، غوربان « قربان»، رجب) مربوط بودند.

وجود جمعه در عنوان نام ها یا ماه بیشتر از همه نمایانگر زمان تولد صاحبان آن بود. برای نمونه: « اُننا گول» (گل جمعه)، « اُننا بی بی» (بانوی جمعه، خانم جمعه)، « اُننا جمال» یا «جو ما گوزل» (زیبای جمعه)، « اُننا تاج» (تاج جمعه)، « آشیر گول» (گل ماه آشیر)، « مِرت گول» (گل مرداد)، « ساپار گول» (گل ماه صفر)، « غوربان گول» (قربان گل)، « رجب گول» و بقیه.

برخی نام های زنانه با ماه مرتبط اند، که ممکن است، حکم یکی از اثرات ویا انعکاس حرمت و احترام به آن در دوران باستان باشد. مانند، « آي گوزل» (به زیبایی ماه - ماه زیبا)، « آي سلطان» (ماه سلطان)، « آي جاهان» (ماه جهان)، « آي گول» (گل ماه)، « آي جان» (روح ماه، جان ماه)، « آي بُولک» (تکه ای از ماه) و برخی دیگر.

در میان نام زنان، نام برخی از درختانی که میوه های خوشمزه میدهند، و حیوانات و پرنندگان جداگانه ای که از حیث ظرافت، خوش اندامی و زیبایی خود متفاوت هستند دیده میشوند. نام های بسیاری از نوع: « شکر»، « شیرین»، « بالجا» (عسل)، « نابات» (نبات)، « منلی، منگلی» (دارای خال، صاحب خال)، « چپر» (ماهر، با مهارت)، « ساداپ» (صدف)، « دورلی» (مروارید) و مانند آن وجود دارند.

با این حال برخی نام های زنانه در گذشته از آنچه که آنها را با مفهوم نیمه زیبای بشریت پیوند میدهد، بسیار دور بود. این نام ها، نام های تحقیر کرامت انسانی بودند. در ترجمه آنها مانند « سیر نشده»، « کافی است، بس است»، « آخرین دختر»، « پیرزن»، « پیر»، « پیر دختر»، « بد» و غیره طنین انداز هستند.

برخی از آنها بعنوان نام با پایه و بنیان « اُغول»، با باور جادویی والدین به آنچه که بین آنها پس از نامگذاری چنین نامی، از بدنیا آوردن فقط دختر دست می کشند مرتبط هستند. اسامی دیگری نیز با رویدادهای تصادفی یا نام های بستگان متوفی مربوط هستند.

مسئله دلگرم کننده این است که چنین نام هایی تقریباً در میان نمایندگان نسل جوان کنونی، آنگونه که در بین مادر بزرگها و مادران آنها بود دیده نمیشوند. در همان زمان نام های سنتی زیبای زنانه، که از آنها توانستم در اینجا تنها بخش کوچکی را بنامم، رواج ویژه ای پیدا کردند. در دوران شوروی همچنین در پاره ای موارد باز اندیشی های سنتی یا رخنه کلمات خارجی (نام های روسی و اروپایی) مشاهده شد.

مذهب و نام ها

همانطور که درباره تلفیق نام های ترکمنی صحبت شد، بخش زیادی از آنها، بویژه بین مردان منشاء عربی دارند. این نام ها با گسترش اسلام در ترکمنستان پدید آمدند. اما نباید فکر کرد که همه نام های ترکمنی با اسلام و منشاء عربی مرتبط هستند و یا دقیقا همانگونه که بین اعراب وجود دارند ظنین انداز هستند. برعکس در میان ترکمن ها در تفاوت با بسیاری از همسایگان خود، جاییکه اسلام ارتدکس ریشه عمیق تری دواند، نام های عربی در شکل ابتدایی آن (بعنوان مثال: شرف الدین، نورالدین، نجم الدین و امثال آن) بندرت و اصولا در خانواده روحانیون و قشر فوقانی فئودالی مشاهده شده.

انبوه نام های اصلی که با اسلام و بنیان زبان عربی مرتبط هستند، یا با هنجارهای زبان ترکمنی وفق داده شده بودند و یا کاراکتر مختلط را گرفتند. یکی از رایج ترین نام ها در این گروه نام محمد - بنیان گذار دین اسلام بود.

در عین حال هر چند اسلام قشری کوچکترین تحریف نام پیامبر یا نزدیکان او را گناه می شمارد، در ترکمنستان، همانطور که می بینیم، این امر بسیار در نظر گرفته نشده است. به موازات نام کامل محمد، فرم کوتاه آن بصورت «مأمت» رایج شده بود، که در آن نام محمد یک هجا کامل را از دست داده است و در مناطق آمودریا و تاشاووز فرم بسیار کوتاه شده آن بصورت «مأت» مشاهده میشود که در آن از نام محمد تقریبا چیزی باقی نمانده است.

علاوه بر آن نوع آمیخته اشکال عربی و ترکی نام ها بسیار رایج بودند، مانند: آق موخامت و آق مأمیت (آق محمد- محمد سفید)، موخامد غولی (محمد قولی- بنده محمد)، موخامد بردی (محمد بردی- محمد داد)، نورموخامیت و نورمت- نورمت (نورمحمد) و دیگر نام ها. در میان زنان نام های زنان محمد پیامبر - خاتیجا (خدیجه) و اِشه (عایشه)؛ در میان مردان نام های نخستین پذیرندگان محمد بعنوان پیامبر، به اصطلاح خلفای بحق: عمر، عثمان و علی دیده میشوند. نام نخستین خلیفه از چهار خلیفه « مقدس» - ابوبکر عملا دیده نمیشود.

جالب است، که نام علی به احترام خلیفه چهارم مسلمین، بیشترین احترام را در ایران و آذربایجان بین مسلمان شیعه دارند، و بین ترکمن ها، هر چند که آنها سنی بودند، نیز مشاهده میشود. عناوین و نامگذاری های مذهبی عرضه شده نسبتا وسیع بودند، مانند: مُلا، امام، امام بردی، امام غولی، قاضی، حاجی، سُوی (صوفی) کِبه (کعبه) - «اسلام» و «اسلام غولی» بندرت وجود داشتند. اولویت نام های زنان نام عربی جنت (بهشت) بود.

در گذشته در ترکمن ها شش گروه اجتماعی - مذهبی که « مقدس » شمرده میشدند وجود داشت: خوجه، شیخ، ماختوم، سید، آتا و موجور. این امر همچنین در نام های تلفیقی، یعنی نام های شخصی ترکمنها بازتاب یافته است. بعنوان مثال، خوجا، خوجاق، خوجا بردی (خوجه داد)، خوجا غولی (بنده خوجه)، شیخ بردی (شیخ داد)، ماختیم، ماختیم غولی (بنده مختوم)، سییت (سید)، آتا گلدی (آتا آمد) و سری کامل نام های دیگر.

البته همه نام های دارای منشاء عربی بین ترکمن ها با مذهب مرتبط نبودند. در میان آنها، نام هایی بودند که اهمیت اسمی خود را از دست ندادند و وارد فرهنگ و واژگان زبان ترکمنی شدند. بعنوان مثال، جمال، جمیله، ساخی (سخی)، کریم و غیره.

بخشی از نام های مرتبط با اسلام، خاستگاه ایرانی زبان و یا ایرانی - ترک زبان داشت. بعنوان مثال، پیغاممر غولی (پیغامبر غولی)، ازواژه فارسی پیغامبر و ترکی غول (بنده، برده)، پیری (ازواژه فارسی « پیر» رهبر فرقه صوفیگری)، پیر غولی (بنده پیر)، چاری یار (چهار یار - نام فارسی چهار

خلیفه ذکر شده)، ایشان (از "ایشان" فارسی، که دیرتر این ضمیر جمع بین مردم آسیای مرکزی به لقب مذهبی خاص تبدیل شد.) ایشان غولی (بنده ایشان) و ایشان بردی (ایشان داد) و غیره. و سرآخر، به طور مستقیم نام مربوط به خود خدا است: «الله» عربی و «خدا» ی فارسی و «تانری – تانگری» ترکی است. بعنوان مثال، الله بردی، خدای بردی، تانری بردی (خداداد) و در مناطق آمودریا و تاشاووز، الله برن، خدای برن (خدا داده).

همانطور که از نام های ارائه شده میتوان مشاهده کرد لیست اسامی «مذهبی» کامل نیستند. بخش بسیار زیادی از آنها شامل اسامی هستند که با مفهوم «داد»، «بنده»: «خدا داد»، «خدابنده – بنده خدا» و غیره مرتبط اند. اما چنانچه در روانشناسی انسان مؤمن تعمق شود در این مسئله چیز تعجب انگیزی وجود ندارد.

درواقع در گذشته ی پیش از انقلاب انبوه توده های مردم تابع ایدئولوژی مذهبی بودند که با وجود سیاست آتئیستی رهبری کشور در دوران شوروی، تا حد زیادی قدرت خود را پس از انقلاب حفظ کرد.

پس از انقلاب اکتبر شمار نام های مذهبی روبه کاهش رفت. هرچند تا اندازه ای این نام ها باز اغلب مشاهده شدند، اما بعنوان یک قاعده تنها به نشانه احترام نسبت به یاد و خاطره نیاکانی که این نام ها را داشتند، داده میشد. درباره این سنن جالب و نسبتاً پایدار و مرتبط با آداب و رسوم خانوادگی بار دیگر صحبت خواهیم کرد.

+++++

* **آنتروپونیمیک:** علم اشتقاق اسامی و شاخه ای از زبان شناسی جهت پژوهش نام ها، تاریخ، منشاء و تحول آن است. این علم نامها را در خود زبان مبداء یا استقراض آن از زبان های دیگر مطالعه، شناسایی نام ها مسیر مهاجرت آن، مکان نامی آن را حتی در عرصه گویش ها که میتوان گفت تنها منبع داده ها در مورد زبان و مردم است، در خلق های گوناگون منجمله در رشته زبانی – فرهنگی و پیوند آنها با مناطق بررسی می کند.

** **آنتروپونیم:** نام های خانوادگی چه فردی و چه گروهی و نام های متعارف افراد در گویش ها و زبان رسمی، نوع نام فردی در هر گروه قومی و حتی در عرصه نام های تخلص، عنوان، کنیه، تاریخچه قومی آن و غیره را مطالعه می کند. آنتروپونیم بلحاظ تاریخی نوع زندگی، سنن و آیین ها مذهبی، نگرش به جهان و طبیعت، خواسته ها و آرزوهای خلق ها و قوم ها را نیز بررسی کرده است.